

اخراج منافقین از فرانسه، به نام تعامل با ایران اما به کام فرانسه

تصمیمی که برای جلوگیری از فساد داخلی فرانسه گرفته شده است و احتمال تسری به سایر کشورهای اروپایی دارد. دولت فرانسه با حضور امانوئل مکرون رئیس‌جمهور این کشور اقدام به تشکیل جلسه شورای امنیت نمود و مهمترین تصمیم این جلسه اخراج منافقین از فرانسه بود. خبر اخراج منافقین پیش‌ازین در توثیقی توسط خود امانوئل مکرون نیز منتشر شده بود. اما در توثیت مکرون به مسئله سیاست خارجی دولت فرانسه و مضرات حضور گروهک رجوی در خاک این کشور اشاره شده بود. در واقع مکرون تلویحاً اشاره کرده بود که اهداف دولت فرانسه در حوزه سیاست خارجی سبب اخذ این تصمیم شده است. حال اگر تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک مکرون در این روزها را بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که او و دولتش از سوی آمریکایی‌ها مأمور به برقراری ارتباط با مقامات ایران است. مشخصاً فرانسه و مکرون وظیفه دارند تا جلسه‌ای ولو نمادین را برای دیدار میان دونالد ترامپ و مقامات ایرانی فراهم کنند که البته بیش‌تر از دستاوردهای سیاسی مورد انتظار از این دیدار، نتایج آن برای پیروزی دولت ترامپ در انتخابات آتی آمریکا مفید است.

اینکه مکرون موفق به این واسطه‌گری می‌شود یا خیر، موضوع این مقاله نیست، اما او در مسیر دستیابی به این هدف منافقین را پیش‌کش کرده و در واقع با اخراج آنها از خاک کشورش سعی در نمایش حسن نیت خود به مقامات ایران دارد. در این بین همچنین باید اشاره کرد که گروهک منافقین دم‌دستی ترین ابزار فرانسوی‌ها برای برداشتن اولین گام جهت جلب همکاری ایران است که البته با بررسی سوابق رفتاری مشابه دیگر رهبران کشورها که پیش از این به نوعی پذیرای منافقین بوده‌اند و همچنین با عنایت به واکنش ایران در هر دوره‌ای، می‌توان فهمید که جمهوری اسلامی در قبال فشار بر منافقین، چندان واکنشی نداشته و این مسئله در معادلات سیاسی ایران و روابط بین‌المللی‌اش چندان مهم و قابل اعتنا نبوده است.

به عنوان مثال اقدام اتحادیه اروپا و وزارت خارجه آمریکا برای فهرست‌گذاری منافقین در میان سازمان‌های تروریستی که با هدف تعامل با جمهوری اسلامی ایران انجام گرفت هم نتوانست چندان برای ایران قابل اعتنا باشد. حتی پیشنهاد معامله بر سر منافقین که بعد از پایان جنگ ایران و عراق و در دوران انزوای صدام از سوی عراق مطرح گردید نیز هیچ‌گاه مورد توجه ایران قرار نگرفت و منجر به همکاری ایران با صدام نگردید. در واقع اقدام مکرون را می‌توان از هم‌اکنون بی‌نتیجه توصیف کرد و به نظر می‌رسد نمی‌توان دستاوردی در قبال آن برای دولت فرانسه در ایجاد ارتباط میان ایران و آمریکا متصور بود.

همانطور که سوابق چنین پیشنهادی قبلاً در تاریخ روابط ایران و اروپا و حتی در سابقه تلاش‌های صدام برای تعامل با ایران ثبت شده است، احتمالاً فرانسوی‌ها هم به خوبی می‌دانند که چنین پیشنهادی برای ایران امتیاز محسوب نمی‌شود، خصوصاً اینکه منافقین امروز در قیاس با وضعیت دو دهه قبل خود، چنان بی‌خاصیت و ناتوان شده‌اند که بعید است ایران هر برخوردی با این فرقه را اقدامی ارزشمند تلقی کند و بخواهد در ازای آن گامی رو به عقب در حوزه سیاست خارجی خود بردارد و به تعامل با آمریکا فکر کند! پس می‌توان در پس پرده این اقدام فرانسه اهداف دیگری را نیز جستجو کرد.

با توجه به تحرکات و اقدامات امروز منافقین در اروپا که اکنون دیگر رو به سوی دخالت در حوزه‌های سیاسی با استفاده از روش‌هایی از قبیل پرداخت رشوه و تطمیع سیاستمداران آورده‌اند، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که فرانسوی‌ها تلاش می‌کنند به بهانه اهداف حوزه سیاست خارجی، خود را از تبعات میزبانی این فرقه تروریستی نجات دهند.

در سال‌های اخیر منافقین عموماً در شرایطی قرار داشته‌اند که برای بقا و حیات خود جنگیده‌اند و از این‌رو به حمایت سیاستمداران غربی نیاز داشته‌اند. پول‌های بادآورده نفتی سعودی‌ها که در سایه ناکارآمدی دیگر گروه‌های اپوزیسیون ایران به دست رجوی‌ها رسیده نیز امکانی برای این فرقه فراهم آورده تا برای اخذ نظرات موافق از سیاستمداران غربی به پرداخت رشوه روی آورند. مشابه این رفتار که در یکی از موارد رسانه‌ای شد در اسپانیا صورت گرفت و گروهک منافقین با پرداخت کمک ۸۰۰ هزار دلاری به یکی از جریان‌های سیاسی برای پیروزی در رقابت‌های انتخاباتی، سعی کرد تا در آینده از برکات قدرت سیاسی این جریان استفاده نماید. مشابه این رفتار منافقین را می‌توان در جلب حمایت برخی سیاستمداران آمریکایی نظیر جان بولتون نیز مشاهده کرد که بعد از بازگشت بولتون به قدرت، منجر به افزایش حمایت‌های آمریکا از این فرقه شد.

این شیوه نفوذ منافقین در میان سیاستمداران فرانسوی نیز نمونه‌های بسیاری دارد که می‌توان «ایوبونه» یکی از مسئولین سرویس اطلاعاتی فرانسه را مثال زد. ایوبونه در زمان فرار رجوی به همراه بنی‌صدر به فرانسه یکی از مقامات بلندپایه سرویس اطلاعاتی فرانسه بود و بعد از بازنشستگی و جدایی از قدرت نویسنده کتابی به نام «واواک در خدمت آیت‌الله‌ها» شد که این کتاب به سفارش و با حمایت مالی منافقین نوشته شد و مطالب آن نیز تماماً علیه جمهوری اسلامی ایران و مطابق با ادبیات فرقه رجوی تنظیم شده بود. در فرانسه سیاستمداران دیگری همچون ایوبونه نیز وجود داشته‌اند که منافقین توانستند با پرداخت رشوه‌های کلان حمایت و موافقت آن‌ها را به دست آورند.

همچنین مثال پرداخت رشوه توسط این فرقه در اسپانیا نشان می‌دهد که خطرات رفتارهای فاسد منافقین نه‌تنها در فرانسه، بلکه در هر یک از کشورهای اروپایی قابل تکرار است و فقط نیاز به تعدادی سیاستمدار یا جریان سیاسی فاسد وجود دارد که حاضر به پذیرش حمایت‌های مالی این تروریست‌ها باشند. با این نگاه درواقع تصمیم امروز فرانسوی‌ها مسئله‌ای است که می‌تواند به دیگر کشورهای اروپایی که کمترین رفت‌وآمدی از سوی مرتب‌ترین این فرقه را مشاهده می‌کنند نیز سرایت کند و درنهایت رفتار واقعی در کل اروپا با منافقین رفتاری متناسب با دیگر فرقه‌ها و تروریست‌ها شود و مجال هرگونه اقدام تشکیلاتی را از آن‌ها سلب نماید.